



حجت الاسلام صابری از انگیزه‌ها و ضرورت‌های شکل‌گیری مؤسسه تخصصی تبلیغ فصل الخطاب می‌گوید

**مُبلِّغ مولد می‌خواهیم؛  
نه مولد مصرف‌کننده**

۵۰۴



«ضمیمه هفتگی روزنامه قدس / ویژه تبیین بیانیه گام دوم انقلاب / شماره هفتم / یکشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۸»

پرونده «منبرهای امید»

# نهال امید

بخشی از مهم‌ترین شاخص‌های رهبرانقلاب  
درباره «امید آفرینی»



یادداشت شفاهی حجت‌الاسلام ماندگاری  
درباره نقش مبلغان دینی در امیدزایی جامعه

**۳ راهبرد اساسی امید آفرینی**



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعباس لاجوردی  
از نقش مبلغان برای ایجاد امید در جامعه می‌گوید

**انسان را باید به خودش آورد**



## حجت الاسلام والمسلمین سیدعباس لاجوردی از نقش مبلغان برای ایجاد امید در جامعه می گوید

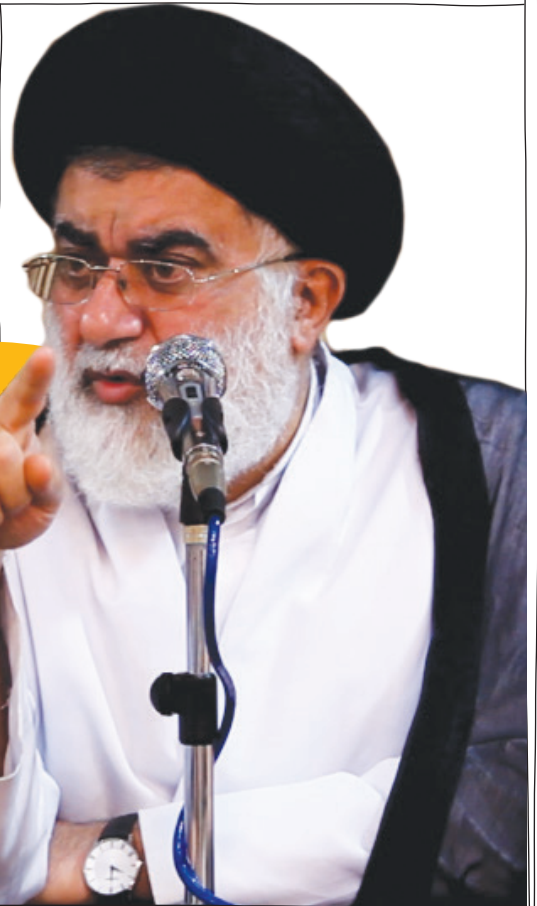
# انسان را باید به خودش آورد

مصاحبه: علیرضا آقاجانی

### ■ امید در نگاه دینی چه جایگاهی دارد؟

اول اینکه همه انسان‌ها با امید زنده‌اند. اگر امید از زندگی حذف شود، چیزی برای ادامه و تحمل در زندگی نیست.

دوم اینکه هر مکتب و مذهب و مرامی احتیاج به پشتوانه‌ای دارد که برای رسیدن به اهداف خودش آن را تضمین می‌کند و حتما باید قله‌هایی برای خودش تعیین کند. وگرنه دلیلی برای اقدام و مجاهدت ندارد. حالا اگر راه و امنیت و توسعه می‌خواهی، یا اگر گسترش و رشد و کمال می‌خواهی، باید



اساسی‌ترین مبنای امید برای مومن، این است که می‌داند عالم همراه اوست. انسانی که در مسیر حق قرار می‌گیرد حتی بلاها و گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها و جنگ‌ها برای او معنادار است.

متناسب با اهدافی که انتخاب کرده‌ای امید وصول به آن‌ها را داشته باشی. مومن توکل و نگاهش به خداست و مطمئن است که خدا در این عالم مدیر است و همه عوالم دست‌به‌دست هم داده که انسان رشد کند؛ پس امیدوار است. مثل نهالی که در باغچه می‌کاری. می‌دانی که زمین، مناسب نهال است و این زمین، آسمان، رطوبت و آفتاب، نهال را رشد می‌دهد و تو فقط باید محافظت و باغبانی کنی. اساسی‌ترین مبنای امید برای مومن، این است که می‌داند عالم همراه اوست. انسانی که در مسیر حق قرار می‌گیرد حتی بلاها و گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها و جنگ‌ها برای او معنادار است. چیزی که برای نسل و انسان امروز این ناامیدی را آورده این است که می‌گوید: بعد از همه این‌ها چه می‌شود؟ اعجازی که دین دارد این است که برای انسان، حتی در اوج مشکلات هم امید ایجاد می‌کند. نمونه آن را در ملت پابره‌نه و گرفتار یمنی می‌بینید. چون به توانمندی‌های خودش و فضل و نصرت خدا امید دارد. به آنچه ندارد نگاه نمی‌کند. به آنچه دارد برای حرکت نگاه می‌کند و به آنچه ندارد برای رسیدن و پرکردن توجه می‌کند. این مبنایی قوی می‌شود برای امیدواری. یعنی هر آنچه در این عالم است همه کمک‌کننده انسان برای رسیدن به هدف نهایی اوست.

## یادداشت شفاهی حجت الاسلام ماندگاری درباره نقش مبلغان دینی در امیدزایی جامعه

# ۳ راهبرد اساسی امیدآفرینی

### ما چاره داریم، ما آدرس داریم

همه قائل به این هستند که امید موتور محرک و حیات‌بخش انسان است. چون امید، به انسان انگیزه می‌دهد. امید، چراغ راه انسان در زندگی فردی و اجتماعی است. در واقع اگر امید نباشد، حیات هم نیست.

از نگاه دین، نقش اساسی مبلغان دینی، امیدآفرینی است. انسانی که آدرس ندارد، انسانی که راه فرار و راه چاره‌ای ندارد و سرگردان است، اجازه دارد ناامید شود. ولی مبلغ، به انسان‌ها می‌گوید ما چاره داریم، ما آدرس داریم. چاره ما قرآن است. «ذلک الكتاب لاریب فیہ هدی للمتقین». این کتاب، هدایتگر متقین است. وقتی قرآنی به این زیبایی داریم که به ما راه را نشان می‌دهد؛ وقتی اهل بیتی داریم که هم به ما آدرس

کتبی و هم آدرس شفاهی داده‌اند که نباید ناامید بشویم. یکی از رسالت‌های دین ما معرفی راهنماست. بحث غدیر، معرفی یک راهنمای مطمئن است. شما ببینید وقتی کسی سوار یک وسیله با راهنمای مطمئن می‌شود، امیدوارانه در ماشین و کشتی و هواپیما می‌خوابد. چون به ناخدا و خلبان اطمینان دارد. بچه در سخت‌ترین شرایط در بغل مادرش آرام می‌خوابد.

### پشتیبانی به نام توسل و توکل

دوم اینکه انسان‌هایی که پشتیبان ندارند، ممکن است ناامید بشوند. ولی دین دو عنصر پشتیبان به ما معرفی کرده است: یکی توکل و دیگری توسل. و من یتوکل علی الله فهو حسبه. هر کس به خدا اعتماد و توکل کند خدا او را کفایت می‌کند. و ابتغو الیه الوسیله. به سوی خدا

وسیله بجوید.

وقتی ما هم توکل داریم و هم توسل، نباید ناامید باشیم. وقتی کسی می‌خواهد ازدواج کند، پشتیبانی به نام خدا دارد. ان یكونو فقرا ینفهم الله من فضله. می‌خواهد کار و تلاش کند، پشتیبان دارد. خدا گفته از شما حرکت از من برکت. می‌خواهد جنگ کند پشتیبان دارد. چون خدا فرموده ان تنصروالله ینصرکم و ینتصروا لکم. اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌کند و قدم‌های‌تان را استوار می‌کند. می‌خواهد مجاهدت کند، پشتیبان دارد. الذین جاهدوا فینا لندینهم سبلنا. اگر کسی به خاطر ما مجاهدت کند ما راه‌های هدایت را به او نشان می‌دهیم. وقتی ما پشتیبان داریم حق ناامید شدن نداریم.

### عنصر سوم امیدبخشی

سومین عنصری که مبلغ به مردم می‌گوید، چشم‌انداز روشن است. آدم‌هایی که جلوی راهشان و چشم‌اندازشان تاریک است، می‌توانند ناامید بشوند. وقتی قرآن می‌فرماید: و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین، وقتی ما امید به فرج و آینده روشن داریم قطعاً باید امیدوار باشیم. به ما وعده داده‌اند که مستضعفین وارثان زمین خواهند بود. پس ما سه نقطه امید بخش یعنی آدرس، پشتیبان و آینده روشن داریم. با این سه استدلال قرآنی شیعه و منتظر حق ناامیدی ندارد.

**■ یعنی می‌فرمایید انسان مومن، به این دلیل ناامید نمی‌شود که بلاها و سختی‌ها را در یک نظام هماهنگ و در مسیر دین می‌بیند؟**

دقیقا. برای مومن ناامیدی معنا ندارد. چون او فرزند تکلیف است و اقدام می‌کند و منتظر نتیجه نیست. چون او با اقدامش به آن رسیده است. کسی که در راه خدا مهاجرت می‌کند، در زمین وسعت وجودی پیدا می‌کند و چیزی از دست نمی‌دهد. مرگش شهادت است و شکستش مقدمه پیروزی است و پیروزی اش گام به جلوست.

**■ می‌توان نتیجه گرفت که باس و ناامیدی ریشه‌اش در عدم نگاه درست به دین است؟**

بله. چون کسی که نگاه دینی ندارد اگر حتی به همه آمال دنیایی هم برسد، باز هم ناامید می‌شود و شکست می‌خورد. چون می‌گوید، خب رسیدم بعدش چه؟ یعنی در اوج رفاه، ناامنی و نگرانی دارد که بعدش چه می‌شود؟ چون انسان نمی‌تواند یک جا بایستد. انسان، در حرکت تعریف می‌شود. هر جا بایستد قتلگاه اوست.

اگر ما حقیقت دین را درست طرح کنیم و نگاه‌ها را ترمیم کنیم و شناخت، معرفت، بینش و دانش را کنار هم قرار دهیم، اقدام‌ها هم با این‌ها متناسب خواهد شد و انسان در بطن گرفتاری‌ها شاد است. آثار این امید، اقدام است. جامعه‌ای که امیدوار است هیچ‌وقت گرفتاری‌ها او را رنج نمی‌دهد. نداری‌ها، انگیزه حرکت است؛ نه دلیل نشستن. امید، خورشیدی است که می‌تواند نهفته‌های درون ما را شکفته کند و شکفته‌های ما را به بار بنشانند.

**■ مبلغان دینی در ایجاد امید چه جایگاهی دارند و چطور می‌توانند امید را به جامعه تزریق کنند؟**

مبلغ باید خواستار جریان بالنده‌ای باشد که اول

بینش‌ها را و بعد دانش‌ها را متناسب با بینش‌ها عوض کند؛ توانمندی ایجاد کند و انسان را به خودش بیاورد. نوع حرکت و ارتباطش باید افراد را توانمند کند. مبلغ دینی نباید جای آدم‌ها فکر کند. ما نباید جای مردم فکر کنیم و تصمیم بگیریم و مردم عمل کنند.

این بدترین نوع تربیت است ولو اینکه نتیجه بدهد. نتیجه، دادن این آمار نیست که چند هزار شغل ایجاد شد؛ این است که چند نفر خودشان روی پای خودشان ایستادند. مهم این است که آدم‌ها توانمند شوند و روی پای خودشان بایستند. خودشان بفهمند و بخوانند و بیایند. اگر ما بفهمیم و بخوانیم و آن‌ها بیایند، بهره‌ای ندارد. چون این عالم، آمده است که انسان‌ها بهره‌مند شوند. مبلغ، باید زنجیرهای جهل و کم‌تحملی و کم‌توقعی و کم‌همتی را بردارد و انسان‌ها را پرهمت و توانمند کند.

الان با بخشی از جامعه مواجه هستیم که واقعا بیشتر از اینکه بخوانند یا حرکتی ایجاد کنند، متوقع‌اند و فکر می‌کنند انقلاب فقط باید به آنان خدمات بدهد.

این آفتی است که توقعات را بالا ببریم، ولی به موازات آن تحمل‌ها را بالا نبریم. مسئولیت‌پذیری را بالا نبریم. درست است که ما باید توقع داشته باشیم. ولی متناسب با آن، توقع تحمل هم باید داشته باشیم. به جای اینکه فقط بگوییم دولت یا انقلاب برای ما چه کرده است، بگوییم ما چه کردیم؟ چون انقلاب ما انقلاب مردمی است. انقلاب مردمی این است که مردم متحول شوند. اگر مشکلاتی هست، مشکلات خودشان است. من نباید شمشیر دستم بگیرم که گردن ملت را بزنم. به جایش چاقو دست بگیر جراحی کن! از خودت شروع کن. فرض کنیم آن‌ها در جایگاه خودشان نیستند؛ قبول. تو در جایگاه خودت باش. چه بسا وقتی پدرت کوتاهی می‌کند، وظیفه تو دو برابر می‌شود. تو وظیفه خودت را انجام نمی‌دهی، چون پدرت نداده؟! خودمان را باید دریابیم. جامعه را دریابیم و سعه صدر داشته باشیم.

الان با بخشی از جامعه مواجه هستیم که واقعا بیشتر از اینکه بخوانند یا حرکتی ایجاد کنند، متوقع‌اند و فکر می‌کنند انقلاب فقط باید به آنان خدمات بدهد

**■ من مبلغ دینی چه باید بکنم؟**

\*\* من باید مبلغ همین‌ها باشم. من باید مبلغ همین روش‌ها و بازگوکننده همین جایگاه‌ها و نقش‌ها و تبیین‌کننده همین وظایف باشم؛ تشویق‌کننده ارزش‌ها باشم تا ملت فکر نکنند بزرگ‌ترین وظیفه‌شان انتخاب رئیس جمهور است.

نه! با این انتخاب تازه کار شما شروع شده است. تو باید نظارت کنی. قدم اول آن هم مطالبه عمومی است. نظارت، بهانه‌گیری و فضولی نیست. آدم‌ها با نظارت بر مسئولان، بلوغ‌شان بیشتر می‌شود.

تو باید رصد کنی و ابلاغ کنی و منقذ را پرکنی. مبلغ دینی و مبلغ اجتماعی، نسل پیشروی جامعه است. اگر این باور را ایجاد کنیم که کجا هستیم و چه داریم و چه بکنیم و چه می‌خواهیم و برای رسیدن به اهداف چه اقداماتی باید انجام دهیم. نباید کسانی باشند که احساس کنند همه کاره هستند.

اگر اختیارات دارند یعنی وظایف دارند. وقتی وظایف دارند مسئولیت دارند. وقتی مسئولیت دارند باید هم نظارت بشود و هم باید پاسخگو باشند.



مخدوش کند، امید را از ما گرفته است. ما در شرایط و تکنیهای اقتصادی اخیر می‌گوییم که ببینید همان خدایی که ما را در انقلاب و دفاع مقدس و دفاع از حرم و چهل سال تحریم یاری کرده است، در مشکلات امروز هم یاری خواهد کرد. می‌گویند پس چرا یاری نمی‌کند؟ چون ما تکلیفمان را درست انجام نمی‌دهیم. در جنگ بدر، یاران پیامبر تکلیفشان را به‌درستی انجام دادند، خدا خوب یاری کرد. در جنگ احد در مرحله دوم کوتاهی کردند بوی نصرت الهی نیامد.

خدا به ما هم می‌فرماید اگر تکالیفتان را درست انجام دهید نصرت الهی قطعی است. اگر با ولایت بفهمیم، با ولایت حرکت کنیم و با ولایت بمانیم قطعا خدا تا آخر ما را یاری خواهد کرد.

نرم‌افزار امید، در واقع تقویت ایمان است. این سه مولفه هم در واقع تقویت ایمان هستند. همان‌طور که خدا می‌فرماید و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم ابواب السما والارض. اگر مردم ایمانشان را تقویت کنند و در چارچوب دین حرکت کنند، خداوند در آسمان و زمین را برایشان باز می‌کند. ایمان باور است و تقوا حرکت است. اگر باور کنیم آنچه را خدا فرموده و حرکت کنیم در مسیری که او امر کرده، حتما خدا بر سر وعده‌هایش هست. فرموده اوفو بعدی اوف بعهده‌کم شما به عهدتان وفا کنید؛ خدا به عهدش وفا می‌کند. پس نرم‌افزار امید، ایمان و بندگی خداست.

**نصرت الهی قطعی است اگر...**

اگر دشمن بتواند ایمان مردم را به مبدا ضعیف کند، در مسیر ناامیدسازی جامعه گام بزرگی برداشته است. کسی که بداند خدایی بالای سرش هست که الله جنود السماوات و الارض، الله ملک السماوات و الارض، له مقالید السماوات و الارض، له ما فی السماوات و الارض، این آیات منبع امید ما هستند. امید اقتصادی، امید امنیتی، امید اعتباری، امید بصیرتی و امید پادشاهی. هر کس ایمانش به خدا زیاد شود، خیلی امیدوار حرکت می‌کند. چون پشتش به کوه وصل است. دشمن اگر بتواند باور به معاد را در ما تضعیف کند و از طرفی ایمان ما را به راهنما که همان ولایت است



# نهال امید

بخشی از مهم ترین شاخص های رهبر انقلاب درباره "امید و امیدآفرینی"

## امید و پیشرفت

۱

امیدواری، مایه پیشرفت کشور

۵	۴	۳	۲
امید، شکوفاکننده استعداد انسانی	امیدواری، مایه پیشرفت کشور	محیط بدون امید، ضد پیشرفت	امید از اخلاق های پیش برنده ملت
۹	۸	۷	۶
پرهیز از ترسیم فضای ناامیدی در بیان مشکلات	امیدبخشی با گزارش پیشرفت های کشور به مردم	امیدبخشی، عامل کار و نشاط و تلاش های علمی	استفاده از زبان هنر برای تزریق امید
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
بیان پیشرفت ها و تحقیر نکردن دستاوردها، مایه امیدواری	القای ناامیدی برای کند کردن حرکت کشور، گناهی بزرگ	تفرقه و اختلاف، فساد اقتصادی و فساد جنسی مایه ناامیدی مردم	ایجاد ناامیدی به آینده، خطر جدی برای کشور

۳	۲	۱
با زبان هنر چگونه «امید به آینده» به خصیلتی ملی تبدیل شود؟	عمل نکردن مسئولان به وعده ها چگونه امید مردم از دست می رود؟	چرا می خواهند ملت ایران را ناامید کنند؟
۱۰	۹	۷
حرف های مایوس کننده را نباید در تلویزیون مطرح کرد	داستان هایی با پایان خوش اشکال دارد؟	اولین هدف دشمن؟
های و هوی و جنجال رسانه ای درباره مشکلات؟! درباره اشکال ما	هنر این است که داستان را خوب شروع کنیم و خوب به پایان برسانیم	چرا اغلب خبرهای دشمن برای مایوس کردن مردم است؟
نامید کردن ملت به نظام اسلامی	برای اینکه این مجموعه انسانی را به یک موجود مرده، تبدیل کنند	برای اغلب خبرهای دشمن برای مایوس کردن مردم است؟

پرسش که رهبر انقلاب درباره امید پاسخ داد





## امید و دشمن

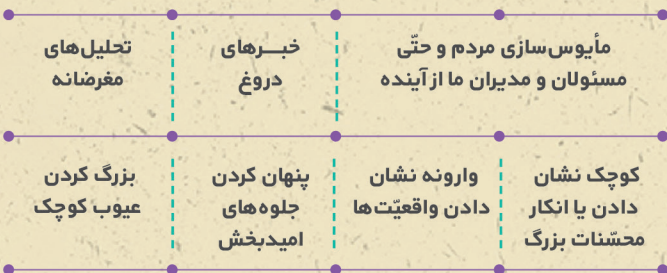
۱

ناامید کردن مردم  
اولین هدف دشمن



۶

سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن



نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ‌کامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبده دوری جسته‌ام، اقا خود و همه را از نومیدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم... در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست. نشانه‌های امیدبخش در برابر چشم شما است. فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب



س‌هایی  
ر انقلاب  
امید و  
آفرینی  
داده‌اند







به دنبال فرد یا مجموعه‌ای بودیم که کار شاخص و اثرگذاری در حوزه منبر و تبلیغ دینی و انقلابی امیدآفرین داشته باشد و اتفاقاً جوان هم باشد. از چند نفر از اساتید مشورت گرفتیم. جالب بود که اولین گزینه تمام این اساتید یک نفر بود.

احمد صابری تولایی، روحانی جوانی است که به قول خودش از سال ۸۱ تبلیغ را شروع کرده و تقریباً با تمام مجموعه‌های تبلیغی کشور در ارتباط بوده است و در خلال کار تبلیغی و ارتباط با مبلغین به ضعف‌های جدی در حوزه تبلیغ دینی پی می‌برد و تصمیم به ایجاد جریانی خودجوش با کمک اساتید می‌گیرد و دو سال است که موسسه تخصصی تبلیغ فصل الخطاب را راه‌اندازی نموده است.

## حجت‌الاسلام صابری از انگیزه‌ها و ضرورت‌های شکل‌گیری مؤسسه تخصصی تبلیغ فصل الخطاب می‌گوید

### طلبه امروز نمی‌تواند بدون مهارت، خرمن جامعه را خرد کند

او درباره ضرورت بحث تبلیغ می‌گوید: «از منظر امام و حضرت آقا، تبلیغ اولین و اصلی‌ترین وظیفه حوزه و از طرفی منبر و سخنرانی دینی مهم‌ترین کانال ارتباطی با جامعه است. به شکلی که از مهم‌ترین عوامل ایجاد و استمرار انقلاب اسلامی بوده و هست.»

او معتقد است در قبال نهاد منبر، یک وظیفه جدید داریم و یک سازماندهی و قاعده و ضابطه لازم داریم. چون واقعیت این است که طلبه امروز نمی‌تواند صرفاً با مدرک دانشگاهی و حوزوی خرمن جامعه را خرد کند. به همین علت کسانی که اهل این کارند باید آستین‌ها را بالا بزنند و این حرکت را انجام دهند.

### کادرسازی مقدم بر جریان‌سازی

حجت‌الاسلام تولایی، بارها در صحبت‌هایش اشاره می‌کند که در این زمینه نیرو و کادر متخصص و پای‌کار کم داریم و چاره‌ای جز نیروسازی نیست.

او به چهار ویژگی که یک مبلغ تراز باید داشته باشد اشاره می‌کند و می‌گوید: «همه این کارها نیاز به آدم‌های پای کار دارد که چهار ویژگی را داشته باشند. اولین ویژگی، «داشتن انگیزه» است؛ چون ما در میدان جهاد قرار داریم. مورد دوم، «داشتن محتوا» است. مبلغی که با انگیزه اما بدون محتوا به میدان بیاید، خشابش خالی است! سومین ویژگی، «داشتن مهارت» است. اگر مبلغ با انگیزه و خشاب پر وارد میدان شود، بدون داشتن مهارت نمی‌تواند از اسلحه استفاده کند. و در نهایت مورد چهارم، «شناخت موقعیت» است که ما

# مُبلِّغ مولد می‌خواهیم؛ نه مولد مصرف‌کننده

مصاحبه: علیرضا آقاجانی

## قبل از تبیین دستاوردها باید انگاره‌های غلط را اصلاح کرد

# از کودک توقع کشتی‌گیر المپیک را داریم

### وقتی از امید سخن می‌گوییم دقیقاً از چه سخن می‌گوییم؟

کوتاهی یا بلندی نگاه آدم‌ها در اینکه چه چیزی را امید تلقی می‌کنند، موثر است. مثلاً فردی امید به بهبود وضعیت معیشتی دارد، دیگری امید به بهبود وضعیت فرهنگی یا امید به بهبود جایگاه سیاسی ما در دنیا و... هر کدام از این‌ها می‌تواند متعلق به امید باشد. نگاه به «امید» در بیانیه گام دوم، امید به رسیدن به تمدن اسلامی است که آن تمدن، مقدمه و زمینه‌ساز ظهور حجت حق باشد. طبیعتاً امیدهای کوچک‌تر در این امید بزرگ ذوب می‌شوند.

نکته بعدی اینکه ما باید بدانیم ظرفیت آدم‌ها، جوامع، حکومت‌ها، مرجعیت، علم و نهایتاً ظرفیت کل هستی بدون امام عصر علیه‌السلام، ظرفیت محدودی است. وقتی از امید حرف می‌زنیم، نباید توقع داشته باشیم که در دوران غیبت بتوانیم به آنچه قرار است در دوران ظهور اتفاق بیفتد، برسیم. چون تلقی اشتباه آدم‌ها از امید، بهبود وضعیت در سطح حضور امام عصر است. می‌گویند آقا این چه وضع حجاب و بانکداری و رشوه‌خواری و... است؟ می‌دانید چقدر دین‌گریزی زیاد شده است؟ این چه وضع مسئولان است؟ و...

ما می‌گوییم مشابه این وضعیت را حتی در معصوم هم داشته‌ایم. ما در کل تاریخ اسلام، سه حاکمیت مشروع داشته‌ایم: یکی حکومت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، یکی حکومت امیرمؤمنان علیه‌السلام و دیگر حکومت ولی فقیه. مگر ما در زمان حضرت رسول و امیرالمؤمنین این مسائل را نداشتیم؟ نمی‌خواهیم کم‌کاری امروزمان را توجیه کنیم. ولی بالاخره اقتضات حکومت و حرکت برای اصلاح اجتماع همین است. علی‌علیه‌السلام با مردمی مواجه بود که قانون دین را نمی‌پذیرفتند؛ مردمی که رقباً، روی آن‌ها فرهنگ‌سازی غیردینی داشته‌اند. اباعبدالله با مردمی مواجه

بود که مطالبه‌گری نداشتند. در بین شهدای کربلا، یک نفر هم از مردم مدینه نمی‌بینید! جامعه مدینه‌ای که حسین بن علی (ع) را به خوبی می‌شناسد، اما او را همراهی نمی‌کند. اگر امام جامعه، حتی امام حسین (ع) هم باشد وقتی با جامعه منفعل مواجه شود به شهادت خواهد رسید.

شما از بچه پنج‌ساله توقع دارید چقدر بار بردارد؟ ما امروز از یک کودک توقع یک کشتی‌گیر که مدال المپیک را گرفته است داریم. آیا کسانی که امیرالمؤمنین (ع) در حکومت منصوب می‌کردند هیچ اشکالی نداشتند؟ ایشان خیرالموجودین را انتخاب می‌کردند. حالا ممکن بود بعد از مدتی خراب‌کاری هم بکنند.

خیلی‌ها از فقیه نه تنها حکومت امیرالمؤمنین (ع)، بلکه توقع حکومت جهانی امام زمان (عج) را دارند. باید بدانیم حتی اگر هیچ دشمنی و توطئه‌ای نباشد، باز هم حکومت فقیه ظرفیت رساندن جامعه به کمال نهایی را ندارد.

پس وقتی از امید سخن می‌گوییم، باید بفهمیم که ظرفیت ما برای اصلاحات فرهنگی و اجتماعی... محدود است.



### وظیفه ما برای رسیدن به امید در افق حکومت ولایت فقیه چیست؟

اول اینکه باید وضعیت موجود را به درستی تبیین کنیم. مردم از بسیاری از دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی هنوز اطلاعی ندارند. دوم اینکه باید مقایسه‌ها و شاخص‌های مقایسه را درست کنیم. مثلاً کشوری را که هشت سال درگیر جنگ و چهل سال در تحریم بوده است، باید با کشوری مثل خودش مقایسه کنیم.

سوال اینجاست که چرا بسیاری از افراد پس از تبیین دستاوردهای انقلاب باز هم قانع نمی‌شوند؟ اینکه چرا عده‌ای نمی‌خواهند بسیاری از حقایق را ببینند، دلیلش این است که ما با یک خودباختگی مواجه هستیم. همان‌طور که می‌دانید، ۹۰ درصد ظرفیت‌های رسانه‌ای جهان در دست دشمنان ماست. دشمنان ما در اذهان عمومی دو انگاره ایجاد کرده‌اند. انگاره اول این است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند آنچه راجع به دستاوردهایش مطرح می‌کند دروغ است. انگاره دوم اینکه ما غربی‌ها توانسته‌ایم در دنیا بهشت را مجسم کنیم و بسازیم. تا وقتی این انگاره‌ها وجود دارد کفایت‌کاری آنها در غرب زیبا دیده می‌شود و اینجا بزرگ‌ترین دستاورد ما زشت دیده می‌شود. وقتی شما می‌گویید ما در حوزه نظامی این کار را انجام داده‌ایم، می‌گویند آقا به چه قیمتی؟! به قیمت خالی شدن سفره‌های مردم!؟

### یعنی می‌فرمایید باید قبل از تبیین دستاوردها برای عموم مردم، به اصلاح انگاره‌ها بپردازیم؟

بله حتماً. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند شما زمانی می‌توانید هدایت کنید که ضدهدایت را بشناسید. تا زمانی که انگاره‌های غلط وجود دارد، هرچه از دستاوردها بگویید، یا متهم به دروغ‌گویی می‌شوید، یا متهم به کسب چیزی به بهای از دست دادن یک چیز مهم‌تر. یعنی وقتی می‌گویید ما از نظر اقتصادی پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم، می‌گویند دروغ است. یا وقتی می‌گویید ما عزت بین‌المللی پیدا کردیم، می‌گویند به قیمت این همه فقر در جامعه؟

### حالا باید از چه مسیری به اصلاح این انگاره‌ها بپردازیم؟

ما باید یک منطق برای مقایسه صحیح به مخاطب بدهیم. بدانند

تعبیر به «بصیرت» می‌کنیم. یعنی تو خشابت پر است، اما فقط همین یک خشاب را داری. الان باید سرباز را بزنی یا فرمانده یا زاغه مهمات را؟ الان باید این میدان را ترک کنی یا نباید تکان بخوری؟ پس بصیرت لازم است. ما نیاز به نیروهایی داریم که در این سطح این چهار مولفه را داشته باشند. این چنین نیروهایی کم داریم و باید ساخته شود. چه کسی باید بسازد؟ پس ما تربیت مبلغی در این سطح را مأموریت اصلی موسسه مان تعریف کرده‌ایم. «او کادرسازی را مقدم بر جریان‌سازی می‌داند و می‌گوید: «ما اگر کادر را ساختیم او خودش می‌رود و جریان‌سازی می‌کند».

### مردم اگر دین را خوب بفهمند انقلابی می‌شوند

صابری، مخاطب اول موسسه فصل‌الخطاب را روحانیون

یکی از مشکلاتمان این است که حدیث را مثل یک شمش طلای خام می‌دهیم دست مخاطب. این شمش بلکه زینت او نیست، آویزان کند به گردنش آسیب هم می‌زند

می‌داند و می‌گوید: ما به تبلیغ دین فکر می‌کنیم و معتقدیم مردم اگر دین را خوب بفهمند، امکان ندارد انقلابی نباشند.

حضرت امام جمله‌ای دارند که می‌فرمایند حفظ نظام واجب واجبات است و حتی امام زمان هم فدای نظام می‌شوند. این جمله خیلی سنگین است. و بعد امام ادامه می‌دهند که مگر ابا عبدالله جانش را فدای حفظ اسلام نکردند؟ کسی که دین را به درستی بفهمد، امکان ندارد برای حفظ نظام اسلامی جانفشانی نکند. ما ضعفمان فهم دین است. پس باید دین را درست به مردم معرفی کنیم.

### احادیث را مثل شمش طلای خام به مخاطب می‌دهیم!

از حاجی تولایی در مورد سرفصل‌های دوره تربیت مبلغ موسسه که چهار ساله است می‌پرسیم. او به بعضی از سرفصل‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از سرفصل‌های ما مسئله‌شناسی است. چون معتقدیم اگر یک مبلغ نتواند مسئله فرد را بشناسد، هر کار هم بکند نتوانسته وظیفه‌اش را انجام بدهد. یکی دیگر از سرفصل‌های ما روش برداشت از تاریخ است که هیچ جایی این سرفصل تدریس نمی‌شود.

یکی از مشکلاتمان این است که حدیث را مثل یک شمش طلای خام می‌دهیم دست مخاطب. این شمش نه تنها زینت او نیست، بلکه اگر به گردنش آویزان کند به گردنش آسیب هم می‌زند. مبلغی با این ویژگی‌ها، یک مبلغ تراز و تاثیرگذار خواهد شد.

**مبلغ باید گاهی چک هم بخورد**  
او درباره رویکرد تبلیغی‌شان می‌گوید: شاید تا الان رویکرد تبلیغ این بود که حرفم را بزخم و درست هم بگویم. ولی ما تعریفمان از تبلیغ، با تعریفی که در کتاب‌هاست کاملا متفاوت است. چون شأن تبلیغی را فقط شأن ارسال پیام نمی‌دانیم. ما هدفمان تربیت کادری برای انقلاب است که بتوانند هدایت‌گری کنند.

مبلغ به این می‌اندیشد که حرفش را تبلیغ کند. ولی هادی به این می‌اندیشد که فرد را هدایت کند. گاهی اوقات اصلا نباید حرف بزند. گاهی وقت‌ها باید چک بخورد. ما مبلغ مولد می‌خواهیم؛ نه مولد مصرف‌کننده. کسی می‌خواهیم که برای حرف‌هایش حجت داشته باشد.

### همه شهریه می‌دهند

#### ما شهریه می‌گیریم

احمد صابری درباره شرایط موسسه در جذب می‌گوید: ما گفتیم کسی که می‌خواهد وارد دوره‌های ما بشود، نباید انگیزه‌ای جز مفید بودن برای امام زمان داشته باشد. چون هر انگیزه دیگری داشته باشد، بعد از مدتی از بین می‌رود. لذا مدرک نمی‌دهیم. اعزام مبلغ هم نداریم تا کسی به این انگیزه نیاید. سایر مجموعه‌های تبلیغی شهریه می‌دهند. ولی ما شهریه می‌گیریم. گفتیم اگر کم بماند، اما خوب بماند بهتر است.



به زبان قابل فهم جامعه تبدیل شود. ما در این زمینه کم کار کرده‌ایم.

### پس نقش هنر و ادبیات در اینجا خیلی پررنگ می‌شود.

مبلغان مبدل هستند. یعنی ادبیات کارشناسی را با ابزار هنر، شعر، ادبیات و منبر، به زبان مردم تبیین می‌کنند. منظورمان از مبلغ دینی، یک روحانی و یک منبری نیست. مبلغ دینی خیلی عام است. یعنی از شمای رسانه‌ای تا من معلم می‌توانیم این نقش را ایفا کنیم.

تازمانی که انگاره‌های غلط وجود دارد، هر چه از دستاوردها بگویید، می‌شوید، یا متهم به کسب چیزی بدیهی از دست دادن یک چیز مهم‌تر

در ایرانی زندگی می‌کند که هشت سال جنگ داشته است. بگردیم و کشوری پیدا کنیم که هشت سال جنگ داشته و ببینیم وضعیت چگونه است؟! در کشوری بوده‌ایم که چهل سال تحریم بوده است. بگرد و ببین یک کشور یا چهل سال تحریم در چه وضعیتی قرار گرفته است. یک کارشناس روس می‌گوید، روسیه اگر کمتر از پنج سال در تحریم‌هایی که شما قرار گرفتید قرار می‌گرفت، ۶ ماه هم دوام نمی‌آورد.

نکته بعد این که حرف را از زبان غیر متهم یا غیر ذی نفع بگوییم. من روحانی الان متهم هستم. می‌گویند شما مزدور هستید، پول می‌گیرید که همین حرف‌ها را بزنید. باید حرف را از زبان غیر متهمان گفت. مثلا کارشناسان منصفی که اظهار نظر کرده‌اند. من وقتی می‌گویم اقتصاد غرب رو به فروپاشی است، می‌گویند مگر این شیخ چقدر اقتصاد بلد است؟ اما وقتی می‌گویم جوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد در کتاب سقوط آزادش این را گفته است، طبیعتا راحت‌تر قبول می‌کنند.

گام دیگری که بتوانیم امید را زنده کنیم، نشان دادن نمونه‌های عینی تحولات است. یعنی اینکه عده‌ای این کار را انجام دادند و شد؛ چرا می‌گویید نمی‌شود؟ قرآن می‌فرماید: اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. مردم هنگامی که نصرت الهی را ببینند گروه گروه داخل در دین می‌شوند. تا مردم فتح را نبینند فایده‌ای ندارد. طرح نوشته شده فایده ندارد. طرح را عملیاتی کن تا مردم خروجی را ببینند و بیایند. ما خروجی‌هایمان را رسانه‌ای نکرده‌ایم و نشان نداده‌ایم.

### همه آنچه تا الان بیان کردید در حوزه روش‌ها بود. باید برای امیدآفرینی به مخاطب چه گفت؟ یعنی محتوا باید چه باشد؟

ما برای محتوا نیاز به گروهی داریم که هم این روش‌ها را بلد باشد و هم بتواند با توده مردم سخن بگوید. تولید ادبیات دینی به‌روز، متخصص نیاز دارد. مثلا در قرآن و روایات مفهوم مقاومت هست. اما این ادبیات باید به زبان عموم مردم تولید شود. وقتی آقای جوزف استیگلیتز می‌گوید اقتصاد آمریکا در حال فروپاشی است مردم کوچه بازار ما از این چه می‌فهمند؟ لذا باید این ادبیات دینی و حتی علمی،



سرمشقی

۷ روز پیش

هرگز مایوس نشوید

یک جریان بددل و بدخواه که متأسفانه در داخل دانشگاه‌ها نیز حضور دارد، اصل جهش علمی کشور را که یک واقعیت عیان است، انکار و تلاش می‌کند با القای اینکه هیچ اتفاق علمی مهمی رخ نداده است، مردم را دچار تردید و نخبگان را ناامید کند؛ اما شما در مقابل این جریان هرگز مایوس نشوید.



ته مقاله

خرده روایت‌هایی از پشت صحنه نقطه سرخط علیرضا آقاجانی

بذر محبت بکاریم

تا ساعت حدوداً ۱۲ شب جلسه‌مان در روزنامه طول کشید. سوار ماشین شدم و به سمت منزل راه افتادم. چند خیابان جلوتر، بنزین ماشین تمام شد.

چهارلیتری به دست پیاده به سمت پمپ بنزین راه افتادم. هنوز چند دقیقه‌ای نرفته بودم که دو موتورسوار از کنارم رد شدند. بعد از چند لحظه یکی از آن‌ها به سمت من برگشت.

دو بسیجی جوان کم سن و سال، با لباس پلنگی سوار موتور بودند. از گالن چهارلیتری دستم، ماجرا را حدس زد. پرسید: بنزین تمام کرده‌ای؟ جواب مثبت من را که شنید، گفت: گالن را بدهید به من؛ شما بروید سمت ماشین.

تشکر کردم و خواستم کارت بانکی بدهم که سریع گازش را گرفت و رفت! چند دقیقه‌ای بیشتر طول نکشید که برگشتند. گالن را گرفتم و خواستم شماره کارت بدهند تا با موبایل مبلغش را واریز کنم. اما هنوز حرفم تمام نشده بود که دوباره به سرعت نور دور شدند!

این اتفاق برای من که از نزدیک بچه‌های بسیجی را می‌شناسم، اتفاق دور از انتظاری نبود. اما آن لحظه حس فوق‌العاده‌ای داشتم. این ماجرای ساده، دو نکته برای من داشت.

اول اینکه شما ببینید تصویری که فضای مجازی و رسانه‌های معاند نظام، از بسیجی و حزب‌اللهی ساخته‌اند، چقدر با واقعیت فاصله دارد! همین فاصله را در خیلی از دستاوردهای انقلاب هم می‌بینیم. فاصله‌ای بین ادراکات مردم تا واقعیات انقلاب. فاصله‌ای که رسانه‌ها و نخبگان و مبلغین ... باید پر کنند.

برداشت دوم این بود که اگر عملی در راستای خدمت به مردم باشد، چقدر می‌تواند برای تغییر ذهنیت‌های منفی و کاشتن بذر محبت در دل‌های مردم موثر باشد؛ موثرتر از چندین منبر!

برکات انقلاب اسلامی

عزت، امنیت و حفظ تمامیت ارضی (بخش اول)

حتی یک وجب

موقعیت استراتژیک ایران بزرگ در طول تاریخ همواره مورد رشک و وسوسه دشمنان قسم خورده ایران زمین، برای کوچک‌تر کردن این سرزمین بوده است. در طول کم‌تر از ۲۰ سال، دشمنان ایران عزیز، به ویژه انگلیس، شوروی و آمریکا، جهت دستیابی به اهداف بلند مدت استعماری خود سرزمین‌های وسیعی را در شرق و شمال ایران اشغال کردند که بعدها هر کدام با نام‌های گوناگون، در قالب کشورهای مختلف پیرامون ایران اعلام موجودیت کردند. کار به اینجا هم ختم نشد و در برهه‌ای، ایران به تصرف کامل دشمنان در آمد و این در حالی است که پادشاه ایران، رضا شاه، کوچک‌ترین مقاومتی از خود نشان نداد.

تنها سه روز بعد از حمله متفقین به کشورمان، ایران به اشغال کامل آنان در آمد. سه هفته بعد، آن‌ها رضا شاه را برکنار و شاه بعدی را انتخاب کردند. به دستور متفقین، رضاشاه از ایران اخراج و به آفریقای جنوبی تبعید شد.

اشرف پهلوی در خاطرات خود می‌گوید:

«بالاخره روزی که ما از آن می‌تسیدیم فرا رسید... آن روز هنگامی که پدرم برای صرف نهار آمد، چنان آشفته و غمگین به نظر می‌آمد که هیچ یک از ما جرئت نکردیم حرفی بزنیم. او گفت: «بالاخره آنچه فکر می‌کردم اجتناب ناپذیر است اتفاق افتاد. متفقین به ما حمله کرده‌اند. به نظر من این پایان کار من است؛ انگلیسی‌ها ترتیب این کار را خواهند داد.»

این تنها بخش کوچکی از خیانت پادشاهان، به خصوص پهلوی هاست. نمونه دیگرش جدانشدن بحرین از ایران بود.

شاید بتوان گفت که جدانشدن بحرین از ایران، حتی ننگین‌تر از معاهده ترکمانچای و گلستان بود. زیرا عهدنامه ترکمانچای، که از بدنام‌ترین و ننگین‌ترین معاهده‌های استعماری



به شمار می‌رود، با همه ابعاد ناراحت‌کننده‌اش، پس از دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه و شکست ایران در این جنگ وسیع امضا شد؛ اما در موضوع جدانشدن بحرین از ایران، نه تنها هیچ برخورد نظامی بین ایران و کشورهای ضعیف عربی آن دوران رخ نداد، بلکه به نوعی داوطلبانه، بخشی از خاک ایران از آن جدا شد.

دومین مسئله، ارزش استراتژیک بی‌ظنیر بحرین است. هر چند در قرارداد‌های ترکمانچای و گلستان، ایران ۲۶۳ هزار و ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک خود را از دست داد و بحرین با احتساب آب‌های اطرافش از این منطقه بسیار کوچک‌تر است. اما ارزش راهبردی بحرین، به عنوان نبض حیاتی خلیج فارس و گذرگاه نفتی، هم از نظر اقتصادی و هم از حیث سیاسی و نظامی به مراتب از سرزمین‌های از دست‌رفته در قرارداد ترکمانچای و گلستان بیشتر است.

سومین مورد، خوشحالی شاه از این رویداد بود. اولین فردی که به پادشاه بحرین پیام تبریک فرستاد، شخص محمدرضا پهلوی بود! خوشحالی دربار به حدی بود که باعث تعجب

مهم‌ترین حامی جدایی بحرین، یعنی اسدالله علم شد. او در خاطراتش می‌نویسد: «شورای امنیت به اتفاق، میل مردم بحرین را در داشتن استقلال کامل تصویب کرد. نماینده ایران هم فوری آن را پذیرفت. خنده‌ام گرفته بود؛ گوینده رادیو

تهران طوری با غرور این خبر را می‌خواند، که گویی بحرین را فتح کرده‌ایم! ولی این خنده، به آن معنی نیست که من با این کار مخالفت دارم...» (اسدالله علم، همان، ج ۲، ص ۴۸ و ۴۹)

در جدول زیر بخش‌های جدانشده از ایران در طول حدود ۲۰۰ سال به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است.

نام پادشاه	مدت حکومت (سال)	نام قرارداد یا توافقنامه مرزی	مساحت بخش‌های تجزیه شده (کیلومتر مربع)
فتحعلی شاه	۳۷	گلستان (با روسیه)	۲۷۳,۰۰۰
		ترکمانچای (با روسیه)	۲۰,۰۰۰
محمدشاه	۱۴	ارزروم (با عثمانی)	۶۳۸,۳۱۷
ناصرالدین شاه	۴۸	پاریس (با انگلیس)	۶۲۰,۰۰۰
		گلدسمیت (با انگلیس)	۳۵۰,۰۰۰
		آخال (با روسیه)	۱,۲۲۶,۵۰۰
مظفرالدین شاه	۱۱	تعیین حدود مرزی (با انگلیس)	۹۹,۵۰۰
		سن پترزبورگ (میان انگلیس و روسیه)	
احمدشاه	۱۶	پیمان منطقه‌ای مستشاران انگلیسی	۴۰۵,۰۰۰
رضاخان	۱۶	حکیمیت آلتای	۳۰۰۰
		قرارداد ۱۳۱۰	۸۰۰
محمدرضا	۳۸	قرارداد ۱۳۱۶ (با عراق)	۱۸۰۰
		قرارداد ۱۳۳۳	
		جدایی غیرقانونی بحرین از ایران	۶۹۴
جمع سرزمین‌های از دست رفته ایران از سال ۱۸۱۳-۱۹۷۰			۳,۶۱۳,۰۱۱

مدیرمسئول: ایمان شمسایی | سردبیر: امیرجلیلی نژاد | دبیر ویژه‌نامه: احسان کفشدارطوسی

دبیر تحریریه: علیرضا آقاجانی | صفحه‌آرا: ساعد عاشوری

آدرس: مشهد، بلوار سجاد، نبش سجاد یک | روابط عمومی: ۰۵۱-۳۷۶۶۲۵۸۷

تلفن: ۰۹۳۰۲۹۱۰۹۶۹ | @noghte\_sarkhat | @noghte\_sarekhat

